

## با عالمان کشمیر

### آشنایی با عالم بزرگوار سید عبدالکریم کشمیری (ره)

جناب سیدالعارفین آیت الله کشمیری در تاریخ ۱۳۴۳ هـ ق در یک خانواده کاملاً روحانی و سیادت در نجف اشرف چشم به جهان گشود، از طرف پدر و جد بزرگوارش به اعجوبه علم و عرفان آیه الله سید حسن کشمیری و از طرف مادر به فقیه بزرگ آیه الله سید محمد کاظم یزدی صاحب کتاب *عروة الوثقی* منتسب بود.

پدر وی استاد سید محمد علی کشمیری بود که در کربلا به دنیا آمد و پس از مراحل تحصیل، داماد آیه الله سید محمد کاظم یزدی شد و به زهد و تعبد و روحانیت معروف بودند.

استاد فرمودند: شبی در خواب دیدم تسبیح به دست من است و پاره شد، تعبیر آن را پرسیدم گفتند: بزرگ قوم شما از دنیا می رود و بین اقوام فاصله می افتد و سید حسن کشمیری جد پدری استاد بود و استاد در مورد ایشان می فرمودند: جد ما خیلی وجیه المنظر و زیبا روی بودند تا جایی که شیخ عبدالکریم حائری وقتی در درسش شرکت می کرد می گفت: نمی دانم به درسش توجه کنم یا به تماشای جمالش بنشینم.

مادر استاد زنی پاکدامن و مؤمنه بود. صبیّه آیه الله سید محمد کاظم یزدی بود و حضرت استاد در مورد شجره سیادت خود می فرمودند: ریشه سیادت ما به حضرت موسی مبرقع فرزند بلا فصل امام جواد<sup>(ع)</sup> می رسد که در قم مدفون است. ما اصلاً قمی هستیم لکن اجداد پیشین ما به هند رفتند که یکی از آنان بسیار ممتاز و فرزانه بود به نام آقا سید حسین قمی کشمیری که الان قبرش در کشمیر هند است و برای او نذر می کنند و قبرش را زیارت می کنند.

آیت الله سید عبدالکریم کشمیری دوران کودکی را در دامان پرمحبت مادر و پدر سپری کردند و مطابق کتشش درونی و سیره خانوادگی تحصیلات مقدماتی حوزوی در ابتدای سنین خردسالی آغاز شد. ابتدا والدش دروس مقدمات فارسی و عربی را بدو آموخت. پس متون متوسط و عالی سطح را از اساتید مبرز حوزه نجف همچون حضرات آیات شیخ مجتبیٰ لنکرانی و شیخ راضی تبریزی (درس مکاسب)، شیخ محمد تقی بهجت مؤمنی (درس رسائل) شیخ محمد حسین تهرانی از افاضل تلامذه آخوند خراسانی (کفایة الاصول) حاج فیض خراسانی (منظومه سبزواری) شیخ صدرا بادکوبی (متون فلسفی) و شیخ عبدالحسین رشتی (اسفار) را فراگرفت.

در اوان جوانی در دروس عالی خارج فقه و اصول اساتید حوزه کهن نجف همچون آیات عظام سید ابوالقاسم خویی، سید عبدالاعلی سبزواری، شیخ علی محمد بروجردی و میرزا حسن بروجردی حاضر شد و با جدیت و تلاش شگرف به تحصیل علوم و معارف اسلامی همت گمارد و در اندک زمانی اجازه اجتهاد از آیه الله خویی دریافت نمود.

حجة السلام مروی نقل کرد: آیه الله خویی به آقای کشمیری فرموده بود:

«حُرِّمَ عَلَیْكَ التَّقْلِیدُ»

همزمان با تحصیل علوم ظاهری در فراگیری علوم غریبه نیز شائق بود و در فرصت‌ها و اوقات مقتضی بسیاری از رشته‌های علوم غریبه چون: جفر، علم اعداد، تکسیر، حروف، زبر، منیبات و مربعات و اسماء الله را از افراد متعدد فراگرفت و تبخّر خاصی در آنها پیدا کرد.

وی همزمان با تحصیل، در تدریس علوم مرسوم حوزوی نیز مهارت به‌سزایی داشت، چنانکه دروس تدریسی وی در متون فقهی، اصولی و فلسفی به‌یازده مورد در روز می‌رسید. در تدریس کفایة الاصول و فهم و هضم دقایق و ظرایف علمی این کتاب تبخّر ویژه‌ای داشت، چنانکه یکی از استوانه‌های علمی گفته بود: (مطلب عمیق و پیچیده کفایه در گوشت و پوست و خون آقای کشمیری نفوذ کرده و با آنها عجین شده است). تأثیر معنویت و نورانیت باطنی وی نیز در دروس ظاهری معروف بود، چنانکه در میان شاگردان و دوستان وی مشهور بود که در محضر ایشان نباید به‌صورت

جُنُب ظاهر شد، چرا که ایشان آگاه می‌شوند. انتسابش از دو جهت به دو مرجع بزرگوار و معروف عصر، وی را بسیار محبوب و مقبول ساخته بود به طوری که مدتی از سال

حضرت استاد در مورد شجره سیادت خود می‌فرمودند: ریشه سیادت ما به حضرت موسی مبرقع فرزند بلافصل امام جواد<sup>(ع)</sup> می‌رسد که در قم مدفون است.

تابستان را در حرم حسینی در جایگاه جدش به اقامه جماعت می‌ایستاد، در ایام اعیاد نیز نمازهای با شکوهی اقامه می‌کرد. چنانکه در یکی از نمازهای عید فطر از شدت کثرت جمعیت و وسعت منطقه مصلی ۳۰ نفر همزمان به تکبیر گویی نماز وی می‌پرداختند.

در مسائل معرفتی و سلوکی نیز همزمان با سیر مراتب عرفانی با اجازه اساتید خود به تربیت و راهنمایی برخی سالکان همت گمارد، چنانکه مرحوم سید هاشم حداد برخی را به سراغ وی فرستاده و ایشان به آنها دستور ذکر می‌داد.

یکی از نزدیکان آیت الله کشمیری نقل می‌کرد: ایشان ایام تعطیلی حوزه به کربلا می‌رفتند و یکی از سالها ما شهریه مختصری گرفته در کربلا تقدیم شان کردیم ولی ایشان وقتی فهمید شهریه است چهره‌اش متغیر شد و فرمودند: شهریه را برگردانید چون ایام تعطیل است و ما درس و بحث نداریم! عرض کردیم: آقا! شما به تحقیق مشغولید و اشکالی ندارد از شهریه استفاده کنید. فرمودند: برگردانید من نمی‌توانم استفاده کنم.

در اوائل زمامداری صدام حسین، روزی از مرحوم کشمیری درباره صدام سؤال می‌شود، وی می‌فرماید: «انه کلب عقور» یعنی او سگ گزنده است.

چند روز بعد یکی از نزدیکانش اطلاع می‌دهد که نام وی در لیست سیاه دستگیر شوندگان داخل شده و به زودی به سراغ وی خواهند آمد، بدین سبب ایشان تمام خانه و زندگی‌اش را رها ساخته و به همراه خانواده مخفیانه به ایران مهاجرت می‌کند، ولی از بخت بد در مرز ایران و عراق در پاسگاه بازرسی، تمام نوشته جات و دفاتر وی که مهم‌ترین آنها دفتر (تقریرات درس اخلاق شیخ مرتضی طالقانی) بود ضبط می‌شود و ایشان با دست خالی وارد ایران شده و در شهر قم اقامت می‌کند، از آن سوی در نجف اشرف هم مزدوران بعثی منزل وی را غارت کرده و سپس ویران می‌سازند.

مرحوم کشمیری پس از ورود به قم شیوه انزوا و گوشه‌گیری را انتخاب کرد، طوری که در این مدت مدید جز عده‌ای، کسی وی را نمی‌شناخت.

<p>آقا سید افضل حسین هندی یکی دیگر از استادان معنوی ایشان بود که در اوقات خاصی برای زیارت در نجف اشرف می‌آمد.</p>	<p>معظم له در ایران نیز مطابق روال پیشین خود به تربیت نفوس متعدده پرداخته و در این مدت تعدادی از طلب فاضل را در این راه راهنمایی نموده که به حمدالله از ذخایر معنوی حوزه علمیه به‌شمار می‌روند. در عین حال درب منزل وی همیشه به‌روی عموم سالکان و</p>
---	---

طالبان حق باز بود و وی گاهی با بیان مطالب معنوی و بیشتر اوقات به‌ویژه اواخر با سکوت دائمی خود به‌ارشاد و راهنمایی پویندگان راه دوست می‌پرداخت.

اگرچه در آن زمان جو عمومی حوزه نجف به‌شدت بر علیه مقوله عرفان و تهذیب نفس به‌معنای خاص خود ملتهب و حساس و بازار تکفیر و اتهام صوفی‌گری رایج بود، چنانکه به‌مرحوم سید عبدالغفار مازندرانی و مرحوم آقای میرزا علی قاضی اتهام صوفی‌گری زده بودند با این حال مرحوم کشمیری به‌جهت کشش عمیق درونی و جاذبه باطنی و استعداد شایان از اوان خردسالی به‌این امر بسیار توجه داشت و به‌خاطر طهارت باطن و سیرت پاکیزه الهامات غیرعادی بسیاری بدو روی می‌داد. چنانکه خود می‌فرمودند:

”یک‌بار با پدرم خواستیم سوار ماشینی شویم و به‌جایی برویم ولی من اصرار

کردم که من این ماشین را سوار نمی‌شوم، هرچه پدرم می‌گفت: من قبول نمی‌کردم

تا این‌که آن ماشین رفت و اندکی بعد خبر تصادف آن ماشین به‌ما رسید.“

حتی در ایامی که ۷ یا ۸ سال نداشت و در مدرسه (سید) (مدرسه جدش صاحب عروه) به‌بازی باهم سن و سالهای خود اشتغال داشت مورد توجه پیری روشن ضمیر و پاک‌دل به‌نام شیخ مرتضی طالقانی واقع شده بود، طوری که روزی خطاب به‌وی فرمود:

”آی پسرک! تو به‌درد بازی نمی‌خوری، تو کلمات پر از نور است.“

مرحوم کشمیری درباره استادش آقای قاضی می‌فرمود:

”علاقه ایشان به من مثل علاقه پدر به فرزند بود، گاهی در منزلشان که روضه بود می‌رفتم و پس از رفتن همه می‌ماندم و موقع نماز پشت سرش نماز می‌خواندم، آقای قاضی مرد الهی و ملکوتی بود.“

استاد دیگری که به تصریح خود حق بزرگی از لحاظ معنوی و عرفانی بر گردن ایشان داشت مرحوم آیت الله شیخ مرتضی طالقانی بود.

مرحوم کشمیری تقریرات دروس اخلاق شیخ مرتضی طالقانی را که حاصل سالها تدریس مسائل اخلاقی و معنوی بود به رشته تحریر درآورده بود که متأسفانه در جریان هجرتش به ایران در مرز عراق توسط مأمورین بعثی مصادره گردید.

از دیگر استادان عرفانی وی مرحوم آقا سید هاشم حداد بود که خود از تلامذه برجسته و کامل مرحوم آقا سید علی قاضی بود و پس از وفات استاد به امر تربیت عده‌ای از سوخته دلان و سالکان همّت گمارده بود.

استاد دیگر ایشان، آیت الله شیخ علی اکبر اراکی بود که ایشان در موردشان فرمودند: آقای اراکی مردی فاضل، عارف، قوی و صاحب ریاضت ولی در عین حال کتوم بود و احتمال علم بر اسم اعظم الهی بر وی بود، اصولاً علما وی را کمتر می‌شناختند. وی گمنام و ناشناخته در میان حوزه و مردم باقی ماند.

آقا سید افضل حسین هندی یکی دیگر از استادان معنوی ایشان بود که در اوقات خاصی برای زیارت در نجف اشرف می‌آمد.

استاد دیگر مرحوم کشمیری از مرحوم آقا شیخ علی زاهد قمی دستور خاص تلاوت قرآن و از آقا سید عبدالغفار مازندرانی دستور ذکر یونسیه و از مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی دستور قرائت زیاد سوره قدر و از شیخ ذبیح الله قوچانی دستور زیارت قبرستان وادی السلام و ذکر مخصوص آنجا را اخذ کرده بود.

### مکاشفات

از آنجایی که اهل معرفت را به سبب تهذیب و صفای باطن و رفع حجب، مکاشفت و معاینات با اختیار و بی‌اختیار دست می‌دهد و مشاهدات رحمانی از چشمه فیوضات جمالی و جلالی به شهود می‌رسد و معانی و حقایق برایش کشف می‌شود، حضرت

استاد از این نعمت برخوردار بودند به حدی که قابل حصر نبود. به چند نمونه اشاره می‌شود:

خود می‌فرمود: شخصی در نجف به نام شیخ مالک بود که در ظاهر به کسوت اهل علم نبود، ولی دارای بصیرت و معرفت باطنی بود، روزی به من گفت: من در وادی السلام زیارت امام حسین را می‌خوانم تو هم با من بیا و به من اقتدا کن، من هم قبول کردم، وقتی که همزمان زیارت عاشورا می‌خواندیم من کربلا را به رأی العین مقابل خود می‌دیدم.

نیز می‌فرمود: احضار ارواح بارها در ایران و عراق برایم اتفاق افتاده است و بیشتر اوقات آقای قاضی و پدرم را می‌بینم که آنها صحبت می‌کنند و من گوش می‌دهم. و ایشان نیز قدرت استخاره خوبی داشتند که آن را بر اثر ریاضت خاص و مراقبت ویژه‌ای که داشتند به دست آورده بودند و آن از طریق استاد معنوی‌اش آیه‌الله شیخ علی اکبر اراکی به او عطا شده بود.

### نکته‌های عرفانی

قرائت ذکر یونسیه در سجده و ادامه آن تا یک سال سبب تجرد روح از جسم و اتصال به ارواح و باز شدن چشم برزخی می‌شود.

۱. قرائت سوره «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»<sup>۱</sup> برای رفع حجابها بسیار خوب است.
۲. قرائت ادعیه و اذکار مأثوره همه خوب هستند، ولی در دعاها از (دعای یستشیر) در صبح و شب و در اذکار از ذکر «یا حیُّ یا قیُّوم» بیشتر استفاده می‌کردند.
۳. تلاوت چهارصد مرتبه آیه نور در حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> به نیت هدیه به امام بسیار مؤثر است.
۴. قرائت یک حمد و یازده مرتبه سوره توحید و هدیه آن به ارواح مؤمنین بسیار مؤثر است.

۱. فتح (۴۸)، آیه ۱.

۵. در زمان هجوم مشکلات قرائت سوره و یا ذکر به نیت هدیه به امام جواد<sup>(ع)</sup> مؤثر است.
  ۶. برای حدیث نفس ذکر تهلیل بسیار مؤثر است.
  ۷. با انجام و مداومت عمل (مراقبه) نفی خواطر صورت می‌گیرد.
  ۸. قرائت بیست و یک مرتبه آیه‌الکرسی در روز برای تقویت حافظه بسیار مؤثر است.
- نیز نکته‌های دیگر که این تعدادی که ذکر شد مقداری از آنها بود.
- استاد قریب ده سال کسالت داشتند و چند بار هم سگته کرده بودند.
- آخر الامر این چراغ هدیت در اواخر ماه مبارک رمضان ۱۴۱۹ هجری در قم سگته می‌کنند، دوستان ایشان را به بیمارستان شرکت نفت تهران انتقال می‌دهند و حدود سه ماه در بی‌هوشی بودند تا این‌که در روز چهارشنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۳۷۸ خورشیدی در سن ۷۴ سالگی به لقاء الله شتافت.
- بعد از تغسیل و تکفین جنازه شریفش، حضرت آیه‌الله بهجت بر جنازه‌اش نماز گزاردند و در قسمت بالا سر حرم حضرت معصومه<sup>(س)</sup> جنب قبر دیگر تلمیذ آقا سید علی قاضی یعنی علامه سید محمد حسین طباطبایی وی را دفن نمودند.